

### متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز و تبریک اعیاد: با توجه به انتقادات بعضی از اسلام شناسان و متفکران به مسأله بیمه خواستم نظر دقیق تان را در این موضوع بدانم. آنها اشکالات بیمه را اینطور بیان می کنند: بیمه مخالف با روح شریعت است و مسلماً دوره ظهور حضرت حجت (عج) و بوجود آمدن مدینه فاضله به این صورت نخواهد بود. چون روحیه ای که شریعت از ما می خواهد روحیه تعامل مومنین با هم است یعنی اگر در جایی هم مشکل خوردند به یکدیگر رجوع کنند و از هم کمک بخواهند. پس یکی از معضلات بیمه این است که مومن و مسلمین نسبت به آگاهی از اوضاع دیگران بیگانه می کند. در حالی که فلسفه ی بسیاری از دستورات شرع مخصوصاً دستوراتی که به صورت جمعی سفارش شده این است که از اوضاع و احوال هم باخبر شویم تا اگر مشکلی بود و ما توان حل کردنش را داشتیم، دریغ نکنیم. مشکل دیگر بیمه این است که جرم و جنایت بوسیله بیمه رواج پیدا می کند و راه را برای مجرمین و خلافکاران باز می گذارد به بهانه اینکه بیمه می باشد. و همچنین جان انسان ها بی ارزش می شود و با انسان ها به عنوان یک کالا برخورد می شود. (مثل برخورد بی شرمانه وزیر دوره قبل در قبال حادثه واژگونی و آتش سوزی قطار که گفت مشکلی نیست. آنها بیمه بودند.) مثلاً کسی که از دیگری کینه ای دارد و می خواهد تلفی اش را در بیاورد، بوسیله اتوموبیلش صدمه جانی یا مالی به آن فرد می زند با این توجیه که ماشینش بیمه است و خسارت را بیمه پرداخت می کند. یا اینکه بیمه تامین اجتماعی مثلاً، باعث بوجود آمدن آرزو های طولانی و امید داشتن به این اهداف دور و دراز می شود چون برای بعد از بازنشستگی اش بدردش می خورد. تازه بحث اینکه بیمه ها آیا واقعا خدمت می کنند یا اینکه پول های هنگفت به جیب می زنند و مردم را سرکیسه می کنند یا اینکه چند نفر از کسانی که تحت بیمه اجتماعی هستند به دوران بازنشستگی می رسند تا حقوقشان را دریافت کنند و با مرگشان پول هایشان عملاً پوچ می شود را مطرح نمی کنم. استاد! علاوه بر اینکه نظر خودتان را بیان می کنید، نظرتان را درباره همین متن هم بیان کنید. اگر غلطی در آن وجود دارد متذکر شوید. خیلی ممنون از بزرگواریتان.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بسیاری از نکاتی که می فرمایید به نظرات بنده نزدیک است و قبلاً هم در این مورد عرایضی شده است مثل جواب سؤال های ۱۱۳۶۴ و ۶۰۰۰ . می ماند که اولاً: موضوع پس انداز که در اسلام هم مدّ نظر است به همان معنایی که حضرت علی «علیه السلام» می فرمایند: «کن لدنیاک

كَأَنَّ تَعْيِشَ اِبْدَاءً. لَذَا مِى شُوْد بِيْمِه رَا اَز يَك جِهْت بِه مَعْنَى پَس اَنْدَاز دَاَنْسْت، ثَاْنِيَاً: فَعْلَاً بِيْمَهَى شَخْص  
ثَاْلْت يَك قَاْنُوْن اَجْبَارَى اَسْت، وَاْغْرَنِه بَنْدِه هَرْگِز بِه اَنْ تَنْ نَمِى دَاْدَم. مَوْفُق بَاْشِيْد